

تأملی بر بازشناسی جایگاه دانشگاه فنی و حرفه‌ای در نظام آموزش‌های عالی مهارتی در ایران^۱

احمد بهشتی اصل^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰

چکیده

آموزش‌های عالی فنی و حرفه‌ای ازجمله ابزارهای توسعه صنعتی و به تبع آن توانمندسازی اقتصادی است. این نوع آموزش‌ها با توجه به ماهیت منعطف منتج از ساختارهای اجتماعی - اقتصادی، تأثیر ویژه‌ای در ظرفیت‌سازی برای ایجاد اشتغال و کارآفرینی در بازار کار دارد. لکن تبلور ظرفیت فوق در چرخه اقتصادی کشور ما به دلایل مختلف ازجمله فقدان مدل توسعه مستقل، تعدد مراکز تصمیم‌گیر، عدم توجه وافی به نیازهای واقعی بستر جامعه، تقاضا محور نبودن هم‌راستا با بازار هدف و... با افتراق معناداری از مفاهیم مورد انتظار و نیازهای کاربردی، عموماً با اقتضائات بخش‌های صنعتی، خدماتی و کشاورزی انطباق ندارد. بر این مدار در پژوهش پیش‌رو باهدف بازآفرینی در شیوه‌های مهارت‌آموزی دانشگاه فنی و حرفه‌ای به‌عنوان یکی از عمده‌ترین متولیان امر در حوزه آموزش‌های عالی مهارتی در کشور و سنجش تجربی سطوح آن به‌عنوان رویکردی تحلیلی به واکاوی روابط میان تأثیرات عوامل محیطی بر شاخصه‌های فن‌آموزی و کارآفرینی آن پرداخته شده است. بر این اساس پرسش اصلی پژوهش عبارت است از: با اتکا به کدام رویکردها و سیاست‌های راهبردی، زمینه ارتقا و بهره‌وری مناسب از ظرفیت مهارتی دانشگاه فنی و حرفه‌ای به‌عنوان پیش‌ساز آموزش‌های عالی فنی و تربیت حرفه‌ای در کشور هم‌سو با نیازهای به‌روز جامعه در ارتباط با بازار کار فراهم می‌آید؟ در این راستا، روش تحقیق در قدم اول شامل مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای با استفاده از شیوه توصیفی پیمایشی بوده که در بررسی‌های میدانی با ابزار پرسشنامه و مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته از جامعه آماری ۷۰ نفری از اساتید دانشگاه، صاحبان صنایع و کارآفرینان، کنشگران اجتماعی و دانشجویان دانشگاه تکمیل و مورد ارزیابی قرار گرفت. بر اساس یافته‌ها، آموزش در دانشگاه مفروض با توجه به ماهیت پیدایش و تأسیس آن، دارای الگوی

۱- مقاله برگرفته از پژوهشی آزاد است که در زمستان ۱۳۹۹ در دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان آذربایجان شرقی انجام پذیرفته است.

۲- دکتری، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران. ahad_beheshti@yahoo.com

ترکیبی بوده و فراگیران ضمن یادگیری مفاهیم و اصول تئوریک، آموزش‌های عملی و کاربردی را در کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌های مربوط گذرانده سپس وارد چرخه کار در بازار می‌شوند. نتایج پژوهش نشانگر آن است که با امتزاج راهکارهایی همچون کاربرد ست آموزش دوال در مفهوم کارکردی خود، اصلاح ساختار و سرفصل‌های دروس، به‌روز نمودن محتوا و هدفمند کردن آموزش‌ها بر مبنای نیازهای صنعت و اقتصاد، همگرایی نهادهای تصمیم‌گیر و کیفیت‌بخشی آموزش‌های عملی با سرمایه‌گذاری در مبادی آن می‌توان در اصلاح موارد فوق قدم برداشت.

واژگان کلیدی:

دانشگاه فنی و حرفه‌ای، آموزش‌های عالی مهارتی، آموزش‌های عالی فنی و حرفه‌ای، اشتغال

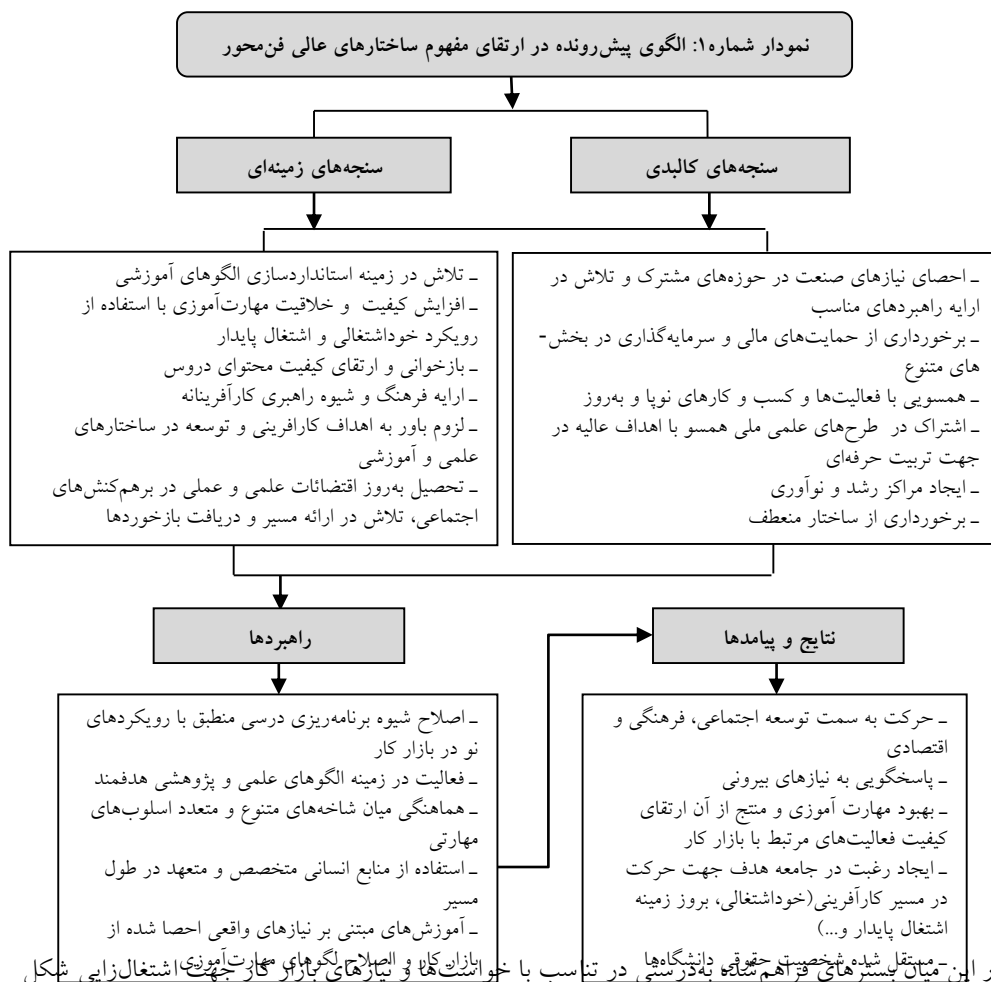
۱. مقدمه

آموزش‌های مبتنی بر محتوای فنی و مهارتی، شیوه‌ای است برای ارتقای کیفیت و کمیت توانایی‌های ذهنی، عملی و اجتماعی فراگیران در بستر جامعه؛ به‌طوری‌که نظام آموزش عالی مهارت محور به‌عنوان ارزنده‌ترین سازوکار برای تعریف و بازافزایی در ایجاد اشتغال پایدار، بهره‌وری مناسب از سرمایه‌های انسانی، رشد اقتصادی و کمک برای دستیابی به یک توسعه پایدار محسوب می‌شود (سلیمی، ۱۳۹۱). لکن در حال حاضر احصای و ارزیابی بازدهی آموزه‌های یادشده در چرخه تولید ثروت و بازخورد آن در برهم‌کنش‌های اجتماعی مبین آن است که، ساختار نظام آموزش عالی در مقیاس کلان تجسّدی از چشم‌انداز متعین برای عملیاتی شدن برنامه‌ها و

الگوهای پیشرفت نبوده و عمدتاً به دلیل تکیه بر رویکردهای سنتی و به‌روز نشده در مقابل فناوری‌های نوین جهانی هم‌سو با راهبردهای توسعه آتی کشور و اثربخشی آن در شرایط با کنش‌های اجتماعی، حرکت نکرده‌اند (صالحی عمران، ۱۳۹۳). بر این رأی است که در موازنه میزان و کیفیت مهارت مکتسبه در اهداف تکلیفی، بهره‌وری خروجی سیستم فوق در جامعه و منتج از آن در بازار کار تناسبی مشهود ادراک نمی‌شود (محمدی‌زاد، عزیزی، صالحی عمران، ۱۳۹۸). با فهم چنین رویه‌ای و به‌منظور مواجهه با این نقصان، نوشتار حاضر قصد دارد در محدوده معطوف به تبیین و بازآزایی در سنجه‌های تأثیرگذار در ارتباط با ارتقای ظرفیت مهارتی تربیت حرفه‌ای دانشگاه فنی و حرفه‌ای ضمن پاسخگویی به پرسش پژوهش برای رفع بخشی از این خلأ علمی بحث مستدلی را ارائه نماید. با اتکای به کدام رویکردها و سیاست‌های راهبردی، زمینه ارتقا و بهره‌وری مناسب از ظرفیت مهارتی دانشگاه فنی و حرفه‌ای به‌عنوان پیشران آموزش‌های عالی فنی و تربیت حرفه‌ای در کشور هم‌سو با نیازهای به‌روز جامعه در ارتباط با بازار کار فراهم می‌آید؟ به عبارت دقیق‌تر، هدف این نوشتار، شناسایی چالش‌های پیش‌رو در میزان اثربخشی مناسب رویکردهای متصور برای ارتقای نظام مهارتی کشور در دانشگاه فنی و حرفه‌ای به‌عنوان دانشگاهی کارآفرین (نسل سوم)، با نیازها و اقتضائات حوزه صنعت، اقتصاد، خدمات و کشاورزی در طول اهداف توسعه‌ای کشور و تحلیل کارکردی آن‌هاست. یافته‌ها بیانگر آن است که شاکله نظام آموزشی در دانشگاه فنی و حرفه‌ای در ارتباط با اقتضائات حوزه صنعت، خدمات، کشاورزی و اقتصاد؛ انتقال مفاهیم و اسلوب‌های کارکردی به‌صورت ترکیبی با تمسک از رویکردهای عملی جهت ملموس نمودن شرایط بازار کار در بستر جامعه می‌باشد. بر این منوال با تکیه بر شیوه تو صیفی - پیمایشی و اتکا به رویکرد مورد پژوهی بر پایه گردآوری اطلاعات مبتنی بر بررسی‌های کتابخانه‌ای و میدانی با استفاده از ابزار پرسشنامه و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته از جامعه آماری ۷۰ نفری متشکل از اساتید دانشگاه، صاحبان حرف و صنایع کارآفرین، فعالین اجتماعی حوزه بازار کار و دانشجویان منتخب دانشگاه جهت حصول نتایج مستدل گام برداشته شده است. به نظر می‌رسد علی‌رغم فرازوفرودهای متعدد پیش‌رو در ساختار آموزش‌های عالی مهارتی با تکیه بر راهبردهایی همچون به‌کارگیری ظرفیت مغفول و مستتر مانده در کارکرد آموزشی — مهارتی دانشگاه فنی و حرفه‌ای و هم‌پیوندی با معیارهای منطبق بر نیازهای جامعه، اشاعه رویکرد هم‌سونگری و اعتلای محتوای آموزش‌ها؛ می‌توان در اصلاح و تعمیق ریشه‌های یک چنین نظامات پایدار قدم برداشت.

۲. ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

آموزش، تلاشی جمعی هماهنگ و مستمر است که از طریق شناسایی نیازهای یادگیری فراگیران و تدارک فرصت های رشد و توسعه دانش و مهارت های آنان، زمینه را برای تحقق اهداف و تحول فراهم می سازند (قهرمانی، ۱۳۸۸). مهارت نیز که همان کاربرد دانش است؛ شامل توانایی انجام کارهای مربوط به یک شغل در سطح حرفه ای متناسب با استانداردهای هر شغل است (لطفی جلال آبادی و همکاران، ۱۳۹۸). بر این اساس، به طور کلی منظور از کاربرد واژه آموزش همراه با صفت فنی یا مهارتی، نوع خاصی از آموزش است که هدف آن آماده سازی افراد برای کار است (نویدادهم، شفیع زاده، ۱۳۹۵). که در نهایت باعث پیدایش قالب مهارتی در ذهن و تشخیص ابعاد رفتاری شخص گشته و موجبات برهم کنش های اجتماعی را فراهم می آورد. آموزش های عالی فنی و حرفه ای در ایران با الگوگیری از تجربیات کشورهای پیشرو در این زمینه و شرایط داخلی کشور جهت تربیت حرفه ای و میانی نیروهای انسانی در ارتباط با نیازهای صنعت شکل گرفت. امروزه این آموزش ها و پژوهش های ناظر بر آن، یکی از محورهای اساسی در توسعه همه جانبه به ویژه تحقق سیاست های کلان اشتغال زایی در کشور ما محسوب می شود (صدری، زاهدی، ۱۳۸۸). بدین منظور در راستای بهبود جایگاه آموزش های مهارتی و فنی و حرفه ای در ساختار نظام آموزش های عالی، دانشگاه فنی و حرفه ای به عنوان دانشگاه نسل سوم با رویکرد بازارگرایی و ایراد شایستگی جهت تقویت الگوی خود اشتغالی شکل گرفت. در این بین با مقایسه دورنمای دانشگاه فنی و حرفه ای با رویکرد دانشگاه های هم تراز در نظام های آموزشی مدرن، تبلور این موضوع بارز است که هدف غایی ارائه آموزش های مهارت محور برای دانشجویان، ایجاد و توسعه ارتباط عملی و شغلی با صنعت و بازیافت مباحث علمی و در کل دانش مطروحه با کاربردهای پاسخ دهنده در جامعه هدف و نیازهای بازار کار و متقاضیان می باشد (محمدی زاد و همکاران، ۱۳۹۸). بر این مبنا با رهیافت در مفاهیم طرح شده، ویژگی های غالب مورد انتظار در برنامه ریزی های آتی ساختارهای مهارت محور همچون دانشگاه فنی و حرفه ای بدین قرار می باشد (کلارک، ۱۹۹۸): الف. ساختار مدیریتی نظام مند، ب. توسعه پیش رونده، ج. تعیین و اجرای الگوهای کارآفرینی (نوسازی اهداف و راهبردها)، د. فعالیت ها و پژوهش های علمی و عملی سازگار با رسالت و فرهنگ دانشگاه (سازماندهی)، ه. پیوند با شبکه های حمایتی مالی پایدار.



نگرفت و سیاست‌گذاری‌های کلان و حتی خرد در خصوص تعریف اهداف و تعیین راهبردها در طی تحولات

حادث شده و در مقاطع زمانی مختلف دچار نابسامانی‌هایی گردید که خود باعث تعویق در دسترسی به اهداف مشخص شده و در نتیجه افول کمی و کیفی در برخی راهبردها گردید. لذا جهت فهم هرچه بیشتر شرایط مطروحه و برون رفت از وضعیت گذار فعلی، لزوم بررسی‌های عالمانه و تدقیق نظر در کم و کیف ساختارهای عالی مهارت محور و برنامه‌های توسعه‌ای ملزوم، با بازاندیشی در مفاهیم بنیادی و مؤثرات آن در گام‌های کارکردی بیش‌ازپیش ضروری می‌نماید (نمودار شماره ۱). در ادامه، آنچه از نظر مرور ادبیات درباره تحقق انگاره‌های آموزش‌های عالی فنی و حرفه‌ای (مهارت محور) در شئون مختلف جامعه قابل خوانش است، آن است که تلاش در بازخوانی و بهبود عملکرد نظام آموزشی یاد شده و کاربست آن در اوضاع اقتصادی — اجتماعی کشورها با پیشرفت فزاینده فناوری‌های نوین، به امری ضروری بدل گشته است. بر این منوال پژوهش‌های جامعی در تجسد نمود کارکردی و بازارگرایی آموزش‌های عالی مهارتی به‌عنوان اهرم برنامه‌ریزی‌های کلان و بالادستی، انجام پذیرفته است. لکن بررسی پژوهش‌های گذشته در خصوص برنامه‌ریزی آموزش فنی و حرفه‌ای در کشور نشان می‌دهد که در ارزیابی تجارب گذشته، اکثراً بر جنبه‌های عملکردی کمی برنامه‌ها و مقایسه هدف‌ها و اعتبارات مصوب تأکید شده است (صدری، زاهدی، ۱۳۸۸). در موضوع دانشگاه فنی و حرفه‌ای با نقش واسطه بازارگری با توجه به پشتوانه نیم‌قرنی فلسفه وجودی، آنچه قابل ادعا می‌باشد این است که در حال حاضر پژوهشگران حوزه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی کشور اقبال کمتری برای کنکاش حول تأثرات و ساختارهای این دانشگاه از خود نشان داده‌اند و ظرفیت قابل اعتنای کارکردی و عملکردی آن از جمله تجهیزات، کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها، مغفول و مستتر مانده و از صرف گذاره بالقوه به‌سوی فعلیت تدقیق شده گذر نکرده است. مع الوصف مطالعات مرتبطی هم که به سرانجام رسیده‌اند در شناخت مجموعه و تشریح افق‌های آتی در مسیر ریل‌گذاری شده توسعه آن اثرگذار بوده‌اند. بر این مبنا، لطفی جلال‌آبادی (۱۳۹۸) ضمن معرفی شیوه‌های آموزش مهارت محوری برای دانشجویان فنی و حرفه‌ای، پارامترهای مؤثر در توسعه آن‌ها ارائه می‌دهد (لطفی جلال‌آبادی، ۱۳۹۸). همچنین محمدی‌زاد (۱۳۹۸) در پژوهشی انتقادی ضمن تبیین اسلوب‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به تحلیل ویژگی‌های کارآفرینی دانشگاه فنی و حرفه‌ای می‌پردازد. در این پژوهش مشخص می‌شود که علی‌رغم تناسب سیاست‌های اجرایی دانشگاه مذکور با اسناد بالادستی، چالش‌های پیش‌روی دانشگاه در حوزه‌های ساختاری، محتوایی و... عملاً بخشی از توانایی‌های بالقوه آن را تحت شعاع قرار داده

است (محمدی‌زاد، عزیزی، صالحی عمران، ۱۳۹۸). در پژوهشی دیگر مهاجرانی (۱۳۹۷) ضمن تدقیق در شیوه‌های بازارگرایی دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور با برشمردن عوامل مؤثر بر بهبود عملکرد مجموعه، ارتباط با صنعت و پروژه‌های صنعتی را از مهم‌ترین شاخصه‌ها در بازارگرایی دانشگاه مذکور می‌داند (مهاجرانی، و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین نوید ادهم (۱۳۹۵) با برشمردن چالش‌های نظام آموزش‌های مهارتی، به بسط و توسعه راهبردهای مرتبط با آن اشاره می‌نماید (نوید ادهم، شفیع‌زاده، ۱۳۹۵). در ادامه بهزادی (۱۳۹۳) با واکاوی حول مفاهیم جاری در حوزه دانشگاه کارآفرین، الگوهای تعالی مرتبط را در مؤلفه‌های مستقل عرضه می‌دارد (بهزادی، رضوی، حسینی، ۱۳۹۳). صدری (۱۳۸۸) هم با بررسی نظام تربیت تکنسین‌های آموزش‌شده‌های فنی و حرفه‌ای از جمله میزان اشتغال، انطباق با موقعیت شغلی و... در صدد اصلاح چارچوب تربیتی با میزان اشتغال فراگیران در بازار کار را دارد (صدری، زاهدی، ۱۳۸۸). همچنین از پژوهش‌های انجام‌گرفته خارجی در حوزه مرتبط با موضوع می‌توان به بواهین (۲۰۱۸) اشاره کرد که با بررسی پارامترهای مؤثر در افزایش بازدهی آموزش‌های مهارتی به ارتباط آن با بازار کار و همخوانی بیشتر با سیاست‌های اجرایی می‌پردازد (بواهین، ۲۰۱۸). همچنین کینگ (۲۰۱۰) در پژوهشی با هدف بررسی نحوه ارتقای کیفیت آموزش‌های مهارتی، برنامه‌ریزی منجر به افزایش اثرگذاری آموزش‌های مهارتی را مورد تدقیق نظر قرار داده است (کینگ، ۲۰۱۱). بریج (۲۰۰۸) هم با خوانش روش‌های متنوع کارآفرینی، ارتباط آن را با الگوهای ارائه آموزش‌های مهارتی سنجیده است (بریج، ۲۰۰۸). بر این اساس اهم مطالعات صورت گرفته در جوانب مختلف موضوع آموزش‌های مهارتی و چارچوب دانشگاه فنی و حرفه‌ای در صدد است شیوه‌های کارکردی و مؤلفه‌های عملکردی زمینه ساز ارتقای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای در ادبیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه را معرفی نماید.

3. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی بوده و از نظر ماهیت از روش توصیفی — پیمایشی با رویکرد مورد پژوهی (پدیدارنگاری) بهره گرفته شده است. روش گردآوری داده‌ها و مدارک نیز مبتنی بر اطلاعات اسنادی

۳Boahin

۴-King

۵_Bridges

می‌باشد. مبنای روایی پژوهش، روایی نظریه‌ای بود و برای دستیابی به آن از راهکارهای مطالعه میدانی گسترده و تدقیق نظر متخصصان استفاده شده است. در بررسی‌های میدانی، ارائه پرسشنامه و اخذ مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته به صورت سؤالات چندگزینه‌ای و وزنی ساده از جامعه آماری ۷۰ نفری از صاحب‌نظران دانشگاهی و کارآفرینان مرتبط با این حوزه، کنشگران اجتماعی و دانشجویان منتخب دانشگاه، چهارچوب دانشگاه فنی و حرفه‌ای از منظر دانشگاهی با رویکردهای بازارگرایی و با ارائه مباحث کاربردی همچون کیفیت برنامه‌ریزی آموزشی، دانش‌افزایی، منابع انسانی، شیوه‌های توسعه و... در مقایسه با ساختار آموزش‌های عالی ایران تحقق یافت. برای تحلیل یافته‌ها نیز از روش تحلیل اسناد و در خصوص پرسشنامه و مصاحبه نیز از شیوه تحلیل محتوای کیفی بهره گرفته شد (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: مشخصات جامعه آماری مصاحبه‌شونده				
ردیف	نمونه آماری (برحسب تعداد نفرات)	میزان تحصیلات	حوزه فعالیت/ محل فعالیت	درصد

تأملی بر بازشناسی جایگاه دانشگاه فنی و حرفه‌ای در نظام آموزش‌های عالی مهارتی در ایران/۹

			زن	مرد	
۱۴,۲۸	عضو هیأت علمی / دانشگاه فنی و حرفه‌ای	دکتری تخصصی	۳	۷	۱
۷,۱۴	عضو هیأت علمی / بازنشسته	دکتری تخصصی	—	۵	۲
۹,۳۳	عضو هیأت علمی / بازنشسته دانشگاه فنی و حرفه‌ای	کارشناسی ارشد	۳	۴	
۹,۳۳	مدیرعامل / شرکت‌های خصوصی	کارشناسی ارشد	۳	۴	۳
۴,۲۸	مدیرعامل / شرکت‌های خصوصی	کارشناسی	۱	۲	۴
۵,۷۱	مدیرعامل / شرکت‌های خصوصی (فارغ-التحصیل دانشگاه فنی و حرفه‌ای)	کارشناسی ارشد	۱	۳	۵
۵,۷۱	مدیرعامل / شرکت‌های خصوصی (کارآفرین در حوزه ساختارهای مهارتی)	کارشناسی ارشد	—	۴	۶
۱,۴۲	مدیرعامل / شرکت‌های خصوصی (همکاری با دانشگاه فنی و حرفه‌ای)	دکتری تخصصی	—	۱	۷
۱۴,۲۸	صاحب‌نظر / عضو غیرهیأت علمی دانشگاه فنی و حرفه‌ای	کارشناسی ارشد	۵	۵	۸
۱۴,۲۸	صنعت / خوداشتغالی (فارغ التحصیل دانشگاه فنی و حرفه‌ای)	کارشناسی	۳	۷	۹
۵,۷۱	فعال در حوزه خبررسانی صنعت و اقتصاد	کارشناسی ارشد	۱	۳	۱۰
۸,۵۷	دانشجوی دانشگاه فنی و حرفه‌ای	دانشجوی کارشناسی	۳	۳	۱۱

۴. یافته‌ها

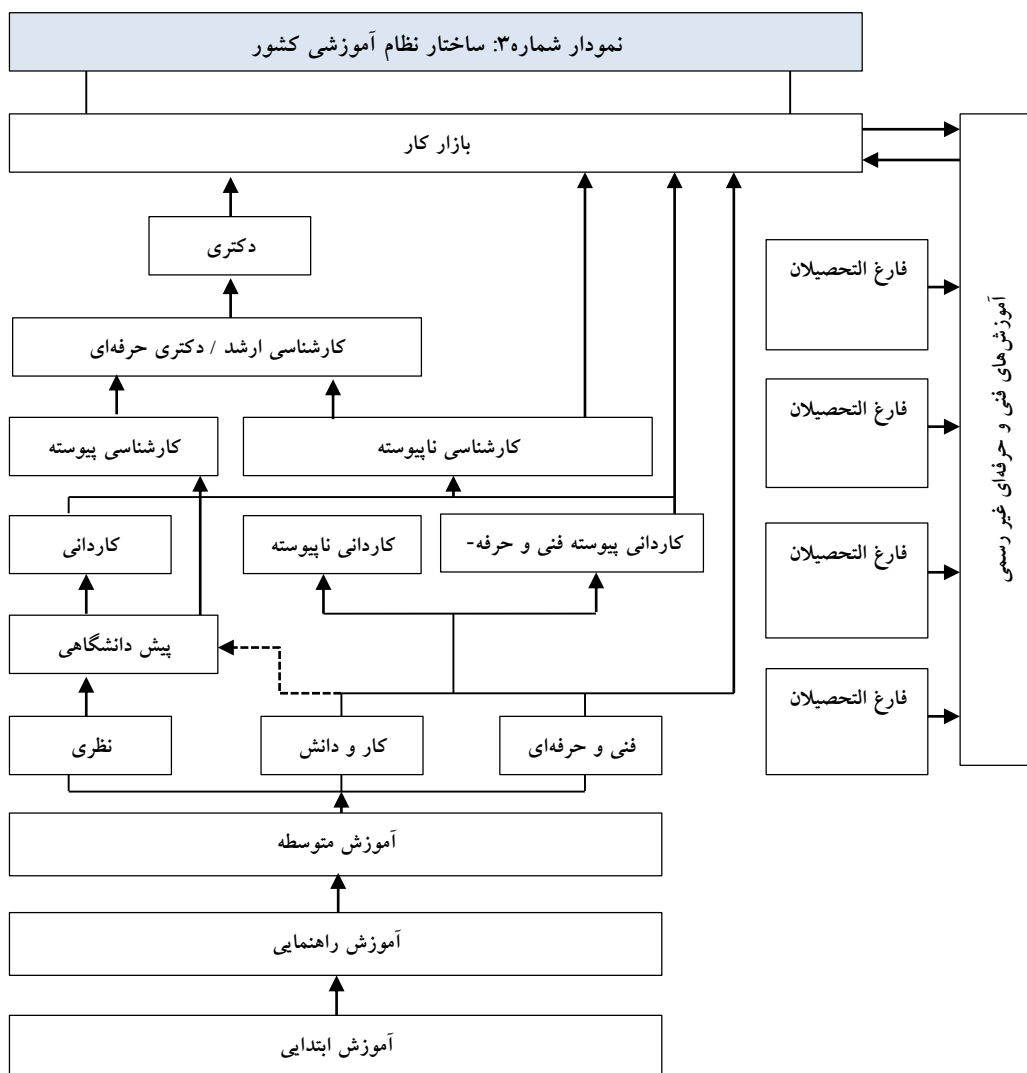
۴.۱. انگاره‌هایی از نظام آموزش عالی مهارت محور

به‌طور سنتی، آموزش و پژوهش مأموریت اصلی دانشگاه‌ها بوده است (مهدی، ۱۳۹۴). در این میان، بررسی ساختار آموزش‌های مهارتی در نظام‌های آموزشی، مبین دو نوع نظام آموزشی منبعث از یک نگرش جامع رسمی می‌باشد (هوگتس، کوراتکو، ۲۰۰۵)؟

الف). شیوه آموزش عمومی که به صورت پایه‌ای جهت آماده‌سازی فراگیران برای ورود به نظام آموزش عالی و تا حدودی بازارکار با مهارت‌های میانی طرح می‌شود.

ب). رویکرد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (مهارتی) جهت اشاعه مهارت عملی برای کاربریست در امور تخصصی مانند بازار کار یا ارتقا در دوره‌های بالاتر.

حال براساس ساختار و وضعیت داخلی جوامع مختلف از جمله شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و دیدگاه‌های توسعه‌ای، یکی از این دو رویکرد با هردو به‌صورت هم‌زمان و موازی اجرا می‌گردد (عسکری و همکاران، ۱۳۹۶). در کشور ما و در حال حاضر، دو نظام آموزش رسمی و غیررسمی در این حوزه طراحی و مستقر شده است. بدین صورت که متولیان آموزش رسمی در سطح متوسطه وزارت آموزش و پرورش و در سطح عالی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌باشد. همچنین نظام آموزش غیررسمی کشور بر عهده سازمان فنی و حرفه‌ای — زیرمجموعه وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی — و متولی نظام آموزش عالی مهارتی رسمی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای است (سلیمی، ۱۳۹۱) (نمودار شماره ۳).



نمودار شماره ۳: نظام آموزش کشور از در هر دو حوزه آموزش و پرورش و وزارت علوم، مأخذ: (عسکری و همکاران، ۱۳۹۶).

همان‌طور که پیش‌تر ذکر آن رفت یکی از عمده‌ترین نیازها در حوزه‌های متنوع صنعت در کشور، نیاز به تأمین نیروهای انسانی ماهر می‌باشد چراکه اصل اساسی در تمیز میزان ترقی کشورها در عرصه‌های یادشده برخوردار از سرمایه‌هایی همچون نیروی انسانی آموزش‌دیده (ماهر) می‌باشد. بر این اساس در بررسی شیوه‌ها

و رویکردهای آموزش‌های عالی مهارتی در جوامع توسعه‌یافته، چنین متبادر می‌شود که حدود یک‌سوم آموزش‌ها، مربوط به مباحث تئوریک (نظری) و مابقی مربوط به آموزش اصول مهارتی در حوزه تربیت حرفه‌ای می‌شود. لکن در کشور ما بر اساس پیمایش‌های میدانی و مطالعه اسنادی چنین برمی‌آید که به دلیل فقدان مدل مستقل توسعه منتج از تعدد مراکز تصمیم‌گیر، عدم توجه وافی به معیارهای بین‌المللی، تقاضا محور نبودن (نبود انسجام میان آموزش و تقاضا)، نبود معیار قابل عرضه در سیاست‌گذاری‌های مهارتی و... حدود یک‌پنجم محتوای آموزش‌های عالی، مبتنی بر ساختار مهارت‌محور در مراکز عالی حرفه‌ای همچون دانشگاه فنی و حرفه‌ای می‌باشد (نویدادهم، شفیع‌زاده، ۱۳۹۵). بدین سبب است که تأثرات این نقصان در حوزه صنعت، اقتصاد، خدمات و... منجر به ناکارآمدی برنامه‌های اصلاحی در بطن ساختار آموزشی، علمی و پژوهشی کشور گردیده است.

۴.۱.۱. شناخت و سیر تحول دانشگاه فنی و حرفه‌ای

دانشگاه فنی و حرفه‌ای با قدمتی بیش از ۵۰ سال، در مفهوم کارکردی خود، با هدف تربیت حرفه‌ای نیروی انسانی مهارت‌محور، از اوایل دهه ۴۰ شمسی و با تأسیس سازمان نمونه تعلیم و تربیت حرفه‌ای در سال ۱۳۴۱ شروع به کار نمود و دو سال بعد از آن با عنوان انیستیتوهای تکنولوژی فعالیت خود را پهنه آموزشی کشور و با در اختیار داشتن مراکز متعدد، از سر گرفت. تحولات حادث شده در ساختار دانشگاه فوق در حوزه‌های مختلف از جمله تغییر متولیان امر، بازبینی رشته‌ها و سرفصل‌های متنوع وابسته و... از همان زمان‌ها شروع و در ادوار بعدی ادامه‌دار بوده و در هربار تحول، وظایفی جدید با ساختار مدیریتی تغییر یافته، جایگزین شد. لکن تحولات پی در پی حادث شده بر پیکره دانشگاه فنی و حرفه‌ای به‌عنوان پیشران مهارتی کشور از بدو تأسیس به صورت آکادمیک تاکنون، برنامه‌ریزان و آموزش‌دهندگان را در شماری از موارد ساختاری و زمینه‌ای به نوعی دچار بلا تکلیفی نموده و بدین سبب است که جهت حصول برخی نتایج پیش‌بینی شده در دورنمای آتی دانشگاه دور از انتظار می‌نماید (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴: سیر تحولات تاریخی دانشگاه فنی و حرفه‌ای (جبل‌عاملی، ۱۳۹۶)

تأملی بر بازشناسی جایگاه دانشگاه فنی و حرفه‌ای در نظام آموزش‌های عالی مهارتی در ایران/۱۳

ر د ی ف	عنوان مجموعه	محدوده زمانی	عمده تحولات حادث شده
۱	سازمان نمونه تعلیم و تربیت حرفه‌ای	۱۳۴۱	۱۳۴۱: نظارت بر هنرستان‌های صنعتی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
۲	معاونت تعلیمات عالی و فنی و حرفه‌ای	۱۳۴۳-۱۳۴۱	۱۳۴۳: نظارت بر عملکرد ادارات کل تعلیمات فنی و حرفه‌ای و تعلیمات عالی
۳	انستیتوهای تکنولوژی	۱۳۶۳-۱۳۴۴	۱۳۴۴: فعالیت زیر نظر معاونت تعلیمات فنی و حرفه‌ای وزارت فرهنگ با هدف تربیت تکنسین فنی ۱۳۴۶: انتزاع اداره کل تعلیمات عالی از آموزش و پرورش و انتقال آن به وزارت علوم تشکیل معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای در آموزش و پرورش و اداره امور انستیتوهای انرژی در این معاونت ۱۳۵۴: تغییر اداره امور انستیتوهای تکنولوژی به دفتر امور مدارس عالی ۱۳۵۷: انتقال معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای به سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای ۱۳۵۸: تشکیل مجدد معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای و زیر پوشش قرار دادن انستیتوهای تکنولوژی
۴	مجتمع آموزش فنی و حرفه‌ای	۱۳۶۳	۱۳۶۳: ایجاد مجتمع آموزش فنی و حرفه‌ای
۵	آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای	۱۳۷۰-۱۳۷۴	۱۳۷۰: تغییر عنوان مجتمع آموزش فنی و حرفه‌ای به آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای ۱۳۷۴: ادغام معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای و معاونت آموزشی در آموزش و پرورش
۶	مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم	۱۳۸۷	۱۳۸۷: ایجاد مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم(ع)
۷	دانشگاه فنی و حرفه‌ای	۱۳۹۰	۱۳۹۰: انتزاع از وزارت آموزش و پرورش و انتقال به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تحت عنوان دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور

بر این اساس ضمن اعمال برخی اصلاحات در جنبه‌های علمی مهارتی در حوزه آموزش، توسعه فرهنگ کار و نیازسنجی آموزشی مطابق با بازار هدف، بازاندیشی در ساختار آموزشکده‌های فنی وابسته به آموزش و پرورش با قدمت بیش از پنجاه سال، به‌عنوان یک تحول بنیادی در قالب مجموعه دانشگاهی گسترده با بازتعریف رویکردها، سیاست‌ها و شاکله آن، با عنوان دانشگاه فنی و حرفه‌ای شکل گرفت. در حال حاضر نیز دانشگاه فنی و حرفه‌ای به‌عنوان دانشگاهی فن‌گرا با ساختاری مبتنی بر آموزش‌ها و کارکردهای فنی و حرفه‌ای مرتب با خاستگاه صنعت، وظیفه تربیت نیروی انسانی کاردان و ماهر، با تمرکز بر آموزش مهارت‌های عمومی و تخصصی را در بستر جامعه بر عهده دارد. مجموعه فوق با گستره‌ای وسیع در پهنه جغرافیایی کشور، هم‌اکنون دارای ۱۸۱ دانشکده و آموزشکده شامل ۲۰۰ رشته در مقاطع آموزشی کاردانی، کارشناسی ناپیوسته و کارشناسی پیوسته در رشته‌های مهارتی متنوع و بالغ بر ۱۵۵۰۰۰ دانشجو، در اقصی نقاط کشور می‌باشد.

۴،۱،۲. ساختار ماهیتی آموزش در دانشگاه فنی و حرفه‌ای

با بررسی موارد پیش‌گفته و تحلیل منابع اسنادی و نیز استفاده از نظرات مصاحبه‌شوندگان، به اختصار ویژگی‌های دانشگاهی با رویکرد بازارگرایی را به صورت بالقوه می‌توان چنین بر شمرد (محمدی‌زاد و همکاران، ۱۳۹۸):

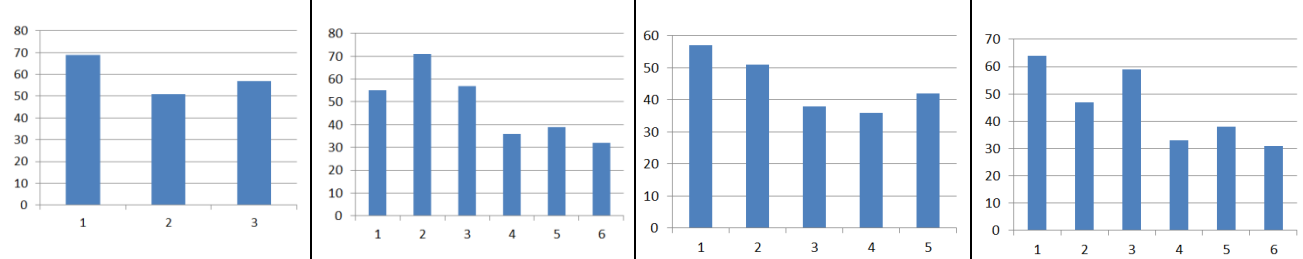
— ضمن مشخص نمودن اهداف و اولویت‌ها، دیدگاه راهبردی و سیاست‌های اجرایی درون‌سر در عرض هم را برای دستیابی اهداف متعین اتخاذ نماید.

— پیشگامی در پرورش و خلق ایده‌های نوآورانه مرتبط با نیازهای جامعه و تلاش در تنوع‌بخشی و واجد ارزش نمودن و تحکیم جایگاه ارزشمندی دارایی‌های فکری و ذهنی.

— ایفای نقش واسط در بهبود محیط‌های خلاقانه کسب و کار با راهکارهای نوین با همکاری و ترابط و تلازم کافی با دولت و حوزه صنعت.

همچنین توسعه دانشگاهی کارآفرین همچون دانشگاه فنی و حرفه‌ای به‌عنوان یک پدیده لازم‌الاجرا از طریق اعمال مقوله‌هایی مانند تشکیل نظام پی‌شنهادات، اصلاحات شورایی دانشگاه، طراحی و استفاده از یک مدل منسجم کارآفرینی و دانشگاهی، بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات، سیاست‌گذاری با رویکرد کارآفرینی و...؛ می‌سور خواهد گشت (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین بررسی ساختار دانشگاه فنی و حرفه‌ای در

ایجاد ترابط مکفی با حوزه‌های متنوع اقتصاد، صنعت و... در قالب جدول سوات (Swot) نشان‌دهنده وجود ظرفیت و قابلیت درونی توانمند همچون شاخص ظرفیت آموزش متری، نیروهای متخصص انسانی در کنار نقاط ضعفی همچون سرفصل‌های بعضاً ناهمسو با نیازهای واقعی بازار، عدم بهره‌وری و بازدهی مناسب امکانات، موانع بازدارنده برون دانشگاهی و عدم تعامل مستمر دو سویه و... می‌باشد (جدول شماره ۵). در این بین با مقایسه دورنمای دانشگاه فنی و حرفه‌ای و دانشگاه‌های هم سو در نظام‌های آموزشی مهارتی، تجسد این موضوع بارز است که هدف غائی ارائه آموزش‌های مهارت‌محور برای دانشجویان، ایجاد و توسعه ارتباط عملی و شغلی با صنعت و بازیافت مباحث علمی، به کاربردهای پاسخ‌دهنده در جامعه هدف و نیازهای متقاضیان در بازار کار (محمدی‌زاد و همکاران، ۱۳۹۸). مع‌الوصف ماهیت کاربردی مباحث مطروحه فوق در نمودارهای مکشوفه از نظرات مصاحبه‌شوندگان بخوبی بارز و نمایان است.

نقاط قوت	نقاط ضعف	فرصت	تهدید
۱. برخورداری از شبکه گسترده و مجهز آزمایشگاهی، کارگاهی و کشاورزی و نیروهای فعال و آموزش دیده (مربیان) و امکان عرضه برخی تولیدات	۱. ضعف محتوای سرفصل برخی رشته‌ها (عدم بروز رسانی)	۱. تربیت سرمایه‌های انسانی متناسب با نیازهای شغلی و ارتقای جایگاه ارزشمندی نظام مهارتی در منابع انسانی	۱. دخالت‌ها و اعمال نظرات غیرکارشناسی عوامل بیرونی در ساختار مدیریتی و آموزشی دانشگاه
۲. برخورداری از جایگاه رسمی دولتی در ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ساختار نظام آموزش‌های عالی	۲. عدم شناخت و آشنایی کافی مجموعه از سوی فراگیران	۲. گستردگی جغرافیایی با توجه به پراکنش واحدهای آموزشی در سطح کشور	۲. عدم ارتباط علمی و پژوهشی دوسویه مستمر کافی با موسسات داخلی و بین‌المللی
۳. گستره‌ای وسیع در پهنه جغرافیایی کشور از حیث تعدد مراکز آموزشی	۳. توسعه نامتوازن مراکز رشد و کارآفرینی در دانشگاه	۳. ظرفیت بالای آموزش‌های عالی مهارت محور در بازارگرایی	۳. مشکلات ساختاری نظام آموزش عالی کشور
۴. ورودی مناسب و پیوسته فراگیران از مراکز آموزشی (هنرستان و...)	۴. عدم عضویت در سازمان بین‌المللی	۴. کمک به خلق مشاغل نو به موازات توسعه فناوری‌های نوین	
۵. برخورداری از امکانات سخت‌افزاری مناسب در راستای آماده‌سازی عملی فراگیران برای ورود به بازار کار	۵. عدم خودباوری در بخشی از دانش‌آموختگان به علت عدم تعادل در نیازسنجی شرایط بازار	۵. فهم و احصای نیازهای صنعت و تامین نیازهای آن در حوزه توانمندی-های دانشگاه (مانند مهارت آموزی فراگیران)	
۶. بازارگرایی و اشتغال حداکثری دانش‌آموختگان به عنوان نیروی کار ماهر در ارتباط با توانمندی‌های اخذ شده		۶. ایجاد محیط واجد ارزش برای دانشجویان جهت ادراک بهتر بازار کار همانند مراکز رشد و تجاری سازی محصولات	
			
راهنما: نمودارها بر اساس فراوانی پاسخ‌ها در انتخاب آیتم‌های موجود در پرسشنامه و حداکثر در ۶ اولویت تنظیم گردیده است.			

۴,۲. چالش‌های فراروی دانشگاه فنی و حرفه‌ای

۴,۲,۱. ساختارهای مدیریتی و کلان

در بررسی چالش‌های پیش‌روی آموزش‌های عالی مهارتی در کشور در محدوده گزاره‌های متعین و بر مبنای رویکردهای جامعه آماری مفروض، و نیز راهبردهای اصل احی برای مقابله با آن موارد زیر به عنوان پارامترهای تأثیرگذار مشخص گردید (جدول شماره ۶). بر این اساس از مهمترین آسیب‌ها می‌توان به نبود یک سیاست‌گذار کلان نیروی انسانی در کشور و عدم هماهنگی نهادهای مختلف ارائه‌کننده خدمات آموزش مهارتی در جامعه، عدم ارتباط کافی با عوامل توسعه برون‌سر و و عدم دسترسی به اطلاعات بازار کار اشاره نمود (صالحی‌عمران، ۲۰۱۴).

ردیف	جدول شماره ۶: چالش‌های تاثیرگذار در تحقق اهداف پیش‌روی دانشگاه فنی و حرفه‌ای (طبق پرسشنامه)		
۱	فقدان مدل مستقل توسعه		
۲	تعدد مراکز تصمیم‌گیر و آموزش دهنده		
۳	عدم مشاوره تحصیلی مهارتی مناسب		
۴	عدم توجه وافی به ارتباطات و معیارهای بین‌المللی		
۵	تقاضا محور نبودن برخی رشته‌ها و حجم انبوه سرفصل‌ها		
۶	اولویت‌بندی بر مبنای خواست اجتماعی و روانی جامعه نه بر اساس نیازهای حوزه‌های صنعت، اقتصاد، خدمات و کشاورزی		
۷	بودجه پایین دانشگاه		
۸	عدم تثبیت ساختار مدیریتی نبود یک سیستم جامع ارزیابی		
۹	ضعف علمی ورودی‌های دانشگاه در دروس نظری (بی‌ربطی و کم انگیزگی)		
۱۰	ضعف در برنامه‌ریزی آموزشی مبتنی با نیازهای بازار کار (شیوه نگاه سنتی)		
۱۱	ساختار غیرمنطبق و افتراق خروجی با اهداف متعین در چهارچوب علمی و مدیریتی دانشگاه		
۱۲	شناخت ناکافی دانشگاه از سوی جامعه و عدم ارتباط کافی با صنعت		
بر مبنای مطالب جدول فوق و اولویت‌بندی مطروحه از سوی مصاحبه‌شوندگان، اهم موارد آسیب‌ها در حوزه‌های مشخص شده با درنظر گرفتن اولویت‌های ذکر گردیده در جامعه آماری، بدین قرار می‌باشد:			
اولویت ۱	اولویت ۲	اولویت ۳	محدوده کمی اولویت‌ها در نظرسنجی



۴,۲,۲. بررسی ساختارهای آموزشی (یاددهی و یادگیری)

با بررسی‌های به‌عمل آمده در ساختارهای منسوب به نظام یاددهی و یادگیری موجود در دانشکده و آموز شکده‌های فنی و حرفه‌ای کشور نتایج زیر شامل مولفه‌ها و آسیب‌ها استخراج گردید (جدول شماره ۷). مع‌الأسف در حوزه یاد شده بر اساس پیمایش‌ها و شواهد میدانی، تجسد وضعیت مطلوبی که نشانگر کاربست الگوی جامع در ساختار نظام یاددهی — یادگیری باشد مشاهده نگردد. لکن با رویکردهای اتخاذ شده آتی و نیز اصلاح فرآیندهایی که مورد بحث قرار گرفت، تلاش گردید تأثرات نقایص مطروحه به حداقل مقدار ممکن تنزل پیدا کند.

تأملی بر بازشناسی جایگاه دانشگاه فنی و حرفه‌ای در نظام آموزش‌های عالی مهارتی در ایران/۱۹

جدول شماره ۷: بررسی ساختار انتقال مفاهیم در بستر کلاس‌های عملی		
مؤلفه	عدم تعادل	آسیب
فرآیندهای یاددهی و یادگیری در حوزه نظام آموزشی دانشگاه فنی و حرفه‌ای	عدم به‌روز نمودن تکنیک‌های یاددهی و یادگیری (الگوی نظام سنتی)	عدم آشنایی با اصول علمی به‌روز و عدم فهم بهتر مباحث
	عدم تقویت چشم‌انداز مشارکت دانشجویان توسط اساتید	ضعف در انجام کارهای گروهی
	عدم تقویت انگیزش مناسب در دانشجویان توسط اساتید	بی‌انگیزگی در ایجاد اشتغال پایدار
	نبود الگوی جامع یاددهی و ارزیابی	عدم توفیق در ارائه علمی مباحث و کاربری آن در بازار کار
	عدم آموزش کافی در ارائه فنون مناسب تدریس در حوزه عملی دروس به اساتید	آشنایی ناکافی با ادوات مورد استفاده در رشته‌های مرتبط و ضعف در بازنمود توانایی‌ها
	عدم برنامه‌ریزی مناسب در توانمندسازی دانشجویان برای مواجهه با اقتضائات بازار کار	عدم برخورداری از اعتماد به نفس کافی جهت مواجهه با اقتضائات بازار کار
	ارتباط‌دهی حداقلی مباحث مطروحه در کلاس‌ها بصورت عینی با نیازهای طیف‌های مختلف صنعت و...	شناخت ناقص از نیازمندی‌های بخش‌های مختلف بازار کار و عدم توفیق در بازدهی مناسب
	عدم وجود مطلوبیت کافی در گزینش مباحث مطروحه	مغفول ماندن آموزش نکات اصلی و ضعف در ارائه عملی مباحث در بازار کار
	عدم توجه کافی به علاقمندی‌های علمی و پژوهشی اساتید و دانشجویان	عدم کسب رضایت شغلی کافی در آینده اشتغال دانشجویان

در مجموع می‌توان گفت نظام یاددهی جاری در دانشگاه فنی و حرفه‌ای علاوه بر مزیت‌های متعددی که برای آن متصور است، دارای عدم تعادل‌ها و آسیب‌هایی می‌باشد که نمود آن در وجه برون دانشگاهی سبب مخدوش شدن هویت و کارآمدی آن در قلمرو آموزش و پژوهش شده است (ترک زاده و همکاران، ۱۳۹۶). از این‌رو بررسی عالمانه و مو شکافانه عوامل دخیل جهت دستیابی به یک ساختار هماهنگ در ارائه راهبردها ضروری می‌نماید.

۴,۲,۳. سیاست‌های کلان، اهداف و راهبردهای دانشگاه فنی

در راستای پاسخ‌گویی به سوال پژوهش و با استناد به نتایج حاصل از پیمایش‌های میدانی در خصوص یافتن پارامترهایی جهت اصلاح چالش‌ها و آسیب‌های پیش‌روی دانشگاه فنی و حرفه‌ای در امور مربوطه جهت هم‌خوانی با محتوا و موازین، تجسد موارد زیر مهم می‌نماید (جدول شماره ۸). با در نظر گرفتن موارد فوق، در اسناد دانشگاه نیز ضمن تاکید بر ارائه الگویی از یک دانشگاه ارزش‌مدار و بازارگرا، تنوع‌بخشی به فرصت‌های آموزشی داخل و خارج از محیط دانشگاه با تاکید محیط‌های واقعی کار، اتخاذ رویکردی حمایت‌گرا از نوآوری، خلاقیت، ایده‌پردازی و تولید دانشگاهی، نیازسنجی و برنامه‌ریزی اجرای دوره‌های آموزشی با تمرکز بر فرآیند توسعه فناوریانه و [...] در دستور قرار گرفته است (محمدی‌زاد و همکاران، ۱۳۹۸). در نهایت در سایه سیاست‌ها و راهبردهای فوق نتایجی حاصل می‌شود که از جمله آن می‌توان به مسئولیت‌پذیری و استقلال دانشگاه به‌عنوان دو بخش جدایی‌ناپذیر دانشگاه کارآفرینانه، اشاره نمود (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷). بر مدار این سخن، از اهداف متصور جاری در ارکان دانشگاه فوق، ارائه نمونه دانشگاهی کارآفرین در راستای تربیت حرفه‌ای نیروهای متخصص جهت هم‌پوشانی نیازهای جامعه در حوزه بازار کار و نقش‌آفرینی به‌عنوان یک الگوی بازارگرایی به‌روز شده منطبق بر نیازها و اقتضات اقتصادی، صنعتی، خدماتی و کشاورزی، مدنظر است.

جدول شماره ۸: اهداف، سیاست‌ها و راهبردهای کلان اولویت‌دار در دانشگاه فنی و حرفه‌ای			
سیاست‌ها	راهبردها	اهداف	
— ایجاد ساختار سازمانی منعطف (هم‌خوانی با نیازسنجی‌ها) — وجود آیین‌نامه‌های تسهیل‌گر در حوزه کارآفرینی و ارتباط با صنعت — برپایی مراکز رشد جهت ایجاد شرکت‌های زایشی و دخیل نمودن دانشجویان در گرایش به سمت آنها — ایجاد بستر مناسب برای پرورش فرهنگ پذیرش ایده‌های نو و فناورانه — ایجاد انگیزه در انجام فعالیت‌های گروهی توسط فراگیران — تطبیق محتوای آموزش با فعالیت‌های تولیدی	— عقد قراردادهای پژوهشی با سازمان‌های دولتی و کسب و کارهای خصوصی — سوق دادن محتوای دروس به مفاهیم کاربردی و کارگاهی مورد نیاز — به‌کارگیری بیشتر رویکردهای عملی و اجرایی در آموزش‌دهندگان از جمله اساتید — بجای ارائه مباحث صرفاً تئوریک جهت تقویت الگوهای اولیه کارآفرینی در دانشجویان — اصلاح نحوه پذیرش داوطلبین در دانشگاه (دخیل نمودن میزان توانایی‌های عملی داوطلبین) — بازنویسی سرفصل‌های رشته‌های ملزوم جهت انطباق با نیازهای بازار — ایجاد ارتباط و بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی	— ارتباط مستمر و پیوسته عملی با کسب و کارهای مرتبط با حوزه آموزش — تقویت درآمدزایی دانشگاه از طریق تجاری‌سازی محصولات قابل تولید مراکز و عرضه آنها — انطباق آموزش‌های ارائه شده و توانایی‌های فراگیران با نیازهای بازار کار — آموزش‌های مبتنی بر نازسنجی‌های منطقه‌ای با توجه به گستردگی مراکز آموزشی دانشگاه فنی و حرفه‌ای — اصلاح رویکرد آموزشی دانشگاه — استقلال مالی دانشگاه	
بر مبنای مطالب جدول فوق و اولویت‌بندی مطروحه از سوی مصاحبه‌شوندگان، اهم راهبردها با بدین قرار می‌باشد:			
اولویت اول	اولویت دوم	اولویت سوم	محدوده کمی اولویت‌ها در نظرسنجی
ایجاد ساختار سازمانی منطبق بر الگوی توسعه دانشگاه کارآفرین	تغییر در سرفصل‌ها و محتوای دروس	جذب منابع مالی و داشتن کانال مالی مستقل	گزینه ۱ (۳۳٪) ××× گزینه ۲ (۲۹٪) — گزینه ۳ (۲۴٪) سایر (۱۵٪) ○

نتیجه‌گیری

هدف از نگارش این مقاله، تلاش در بازخوانی محتوای کیفی و کمی و شیوه‌های ارتقای آن در دانشگاه فنی و حرفه‌ای به‌عنوان یکی از عمده‌ترین متولی آموزش‌های عالی مهارتی دولتی است. از آنجایی که ایجاد و توسعه دانشگاه با رویکرد بازارگرایی در ترابط مستقیم و دوسویه با نظام اقتصادی مبتنی بر دانش است لذا توسعه کمی و کیفی و راهبردهای منتهی به آن از اصول بنیادی نظام آموزشی مهارت‌محور است. دانشگاه فنی و حرفه‌ای بنابر ماهیت وجودی خود، با هدف تربیت حرفه‌ای نیروهای انسانی ماهر تغییرات ساختاری و محتوایی متعددی را از سر گذرانده است. لکن امروزه این تحولات با توجه به سیاست‌ها، استراتژی‌ها و رویکردهای توسعه‌ای اتخاذ شده در این حوزه از غنای بالایی برخوردار نبوده و لذا جایگاه ویژه این موضوع و ابعاد ماهوی آن با در نظر گرفتن تمایلات توسعه کمی مراکز آموزش عالی با قطع فرار شد ماهیتی آن متأثر از برخی کنش‌های درون سر و بیرونی عرضی در ادوار گذشته دچار چالش گردیده که بالطبع تداوم آن‌ها مسیر توسعه دانشگاه را محدود خواهد نمود. یافته‌های این پژوهش را می‌توان در یک برداشت کلی و از منظر تحلیل ساختارهای آموزشی و میزان کاربست رویکردهای نوین و جایگاه برداشت‌های سنتی در حصول نتایج را همسو با یافته‌های پژوهش‌های اشاره شده در بخش ادبیات نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق حاضر دانست چراکه عوامل کمی و کیفی یاد شده در ذیل، عموماً در تحلیل‌های یاد شده بصورت قابل اعتنایی در شنا سایی چالش‌ها و شیوه‌های رفع موانع قابل ادراک است. بدین صورت که در بخش کمی نتایج بررسی‌ها و آسیب‌شناسی‌های الگوهای کارکردی نظام جامع آموزش‌های مهارتی در دانشکده‌ها و آموزش‌شکده‌های فنی و حرفه‌ای به‌عنوان زیرمجموعه دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور علی‌رغم برخورداری از جایگاه مطلوب در سیستم یاددهی مهارتی قابل اعتنا، موید وجود کاستی‌هایی نیز در حوزه‌های ساختاری، عملکردی و مفهومی نظام یاد شده می‌باشد. لزوماً بروز آسیب و نقاط ضعف در حوزه‌های ساختاری، به‌تدریج دامنه آن‌را در سایر زمینه‌ها و به موازات فرآیندهای یاددهی و یادگیری در قلمرو سنج‌های آموزشی و پژوهشی تسری خواهد داد. بدین معنا که در ارزیابی و اجرای الگوهای مذکور انتظار پیامدهای مطلوب دور از دسترس خواهد بود و بالطبع اثربخشی فعالیت‌های علمی و عملی مراکز تابعه دانشگاه فنی و حرفه‌ای را دچار مخاطره می‌نماید. از این‌رو، توجه به توسعه و کارآمدسازی نظام مذکور بر اساس رویکردهای نظام‌مند پیش‌بینی شده متأثر از وضعیت کنونی شیوه‌های یاددهی و یادگیری علوم و فنون مهارتی مورد اشاره، ضروری و مهم می‌نماید. همچنین در بخش ارزیابی کیفی، فرآیند تحلیل صورت پذیرفت.

بدین صورت که، عوامل موثر در بروز زمینه‌های آسیب در حوزه‌های مطروحه از طریق پرسشنامه و مصاحبه از جامعه آماری مشخص شده شناسایی گردید. از جمله این موارد می‌توان، فقدان مدل توسعه منتج از تعدد مراکز تصمیم‌گیر، تقاضا محور نبودن برخی آموزش‌ها، عدم انطباق ساختار با اهداف متصور، عدم ارتباط کافی با سازمان‌های بین‌المللی مرتبط و... اشاره نمود که هر کدام به طریقی چالش‌هایی را در مسیر توسعه قرار می‌دهند. بر این اساس از موارد پر اهمیت در بازآموزی اصول کاربردی — اجرایی دانشگاه فنی و حرفه‌ای می‌توان به برنامه‌ریزی پویای درسی متناسب با نیاز بازار، آینده پژوهی، تجاری‌سازی محصولات، استفاده از توانمندی‌های بومی مراکز و سرمایه‌های انسانی، خلق فرهنگ یادگیری سازمانی، حمایت و دخیل نمودن حداکثری مدیران موفق صنعتی در امور مشترک میان دانشگاه و صنعت، اشاره نمود. لذا جهت دستیابی به اصول پایدار مطروحه لزوم اشاعه تاریخ شفاهی دانشگاه در جامعه حرفه‌ای و اجتماعی دانشگاه و تغییرت ملزوم در ساختار کمی و کیفی دانشگاه (دانشکده‌ها و آموزشکده‌ها) در قدم اول امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در این راستا جهت تعالی بخشیدن به محتوای عملکردی دانشگاه فنی و حرفه‌ای، پیشنهادات طرح بدین صورت بیان گردید:

۱. لزوم گزینش رویکردهای منطبق بر نظام آمایش منطقه‌ای و تطبیق سند راهبردی ۴ساله بازارگرایی استانی مراکز عالی فنی و حرفه‌ای با واقعیات بازارکار.

۲. نهادینه کردن ثبات مدیریتی جهت پیاده‌سازی مناسب اهداف متعین

۳. تدوین نظام جامع آموزش و ارزیابی جهت کاربست آن در برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت سند راهبردی مراکز استانی

۴. اصلاح و به‌روز رسانی سرفصل‌ها و محتوای دروس با نیازها و اقتضائات ضروری بازار کار

۵. تدوین بسته جامع سرمایه‌گذاری در جذب و ارتقای زیرساخت‌ها همچون کارگاه‌ها به‌عنوان بازوی انتقال فن و مهارت

۶. اصلاح ساختار علمی دانشگاه فنی و حرفه‌ای و تامین کادر آموزشی مورد نیاز در برنامه‌ای کوتاه مدت در عین حال با امتزاج راهکارهای مکملی همچون همگرایی نهادهای موثر تصمیم‌گیر در تحولات دانشگاه، شناساندن هرچه بیشتر دانشگاه در بستر جامعه و نیز تعریف دوباره‌ای از هم‌پیوندی دانشگاه فنی و حرفه‌ای در ساختار ارگان‌های همسو با اهداف عالیه — موثر در افزایش علاقمندی فراگیران به این نوع آموزش‌ها و افزایش

اعتبار فراملی این دانشگاه — می توان در این مسیر راهگشا بود. از این روی اتکا بر ریشه های عمیق یک چنین نظامات پایدار، جزو اصول بنیادین این نوع آموزش ها محسوب می گردد.

منابع

- بهزادی، نازنین؛ رضوی، سیدمصطفی؛ حسینی، سیدرسول (۱۳۹۳). طراحی الگوی مفهومی دانشگاه کارآفرین با رویکرد کارآفرینی سازمانی. *فصلنامه توسعه کارآفرینی*، ۷(۴)، ۷۱۳-۶۹۷.
- ترک‌زاده، جعفر؛ شعبانی‌فرد، مجید؛ معمرحور، جمال؛ سینائی، عطاله (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی نظام آموزشی در مراکز دانشگاهی فنی و حرفه‌ای. *فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران*، ۹(۴)، ۷۷-۵۷.
- جبل‌عاملی، شهناز (۱۳۹۶). دانشگاه فنی و حرفه‌ای از منظر تاریخ شفاهی. *دوفصلنامه تاریخ شفاهی*، ۳(۶)، ۳۵۴-۳۶۶.
- صدری، عباس؛ زاهدی، انسیه (۱۳۸۸). مطالعه پیگیرانه عملکرد نظام تربیت تکنسین آموزش‌شده‌های فنی و حرفه‌ای ایران. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۵۴، ۱۱۲-۹۹.
- سلیمی، جمال (۱۳۹۱). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در قرن ۲۱: سیاست‌های یونسکو در خصوص آموزش فنی و حرفه‌ای در عصر اطلاعات و مقایسه جایگاه آموزش فنی و حرفه‌ای ایران با آن سیاست‌ها. *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۴۳-۲۵.
- عسکری، مهدی؛ الهی‌منش، محمدحسن؛ پرزاد، رضا (۱۳۹۶). مقایسه سیستم آموزشی (مهارتی) جمهوری اسلامی ایران با ژاپن از منظر سیاست‌گذاری آموزشی. *فصلنامه سپهر سیاست*، ۴(۱۳)، ۱۲۷-۱۵۸.
- قهرمانی، م (۱۳۸۸). مدیریت آموزش سازمانی. تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- لطفی جلال‌آبادی، مصطفی؛ فرهادی، علی؛ روایی، سلطنت؛ غلامی، محمود (۱۳۹۸). طراحی الگوی مهارت‌محوری برای دانشجویان فنی و حرفه‌ای با استفاده از نظریه داده‌بنیاد. *فصلنامه کارافن*، ۶(۴)، ۷۱-۱۰۰.
- محمدی‌زاد، سمیه؛ عزیزی، نعمت‌اله؛ صالحی‌عمران، ابراهیم (۱۳۹۸). تأملی انتقادی بر سیاست‌ها و سازوکارهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در تناسب با موازین دانشگاه کارآفرین (مطالعه موردی: دانشگاه فنی و حرفه‌ای). *دوفصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۸(۱۶)، ۲۸-۱.

- موسوی، سیدحسین؛ صالحی عمران، ابراهیم، فراستخواه، مقصود؛ توفیقی، جعفر (۱۳۹۶). ارائه مدل توسعه دانشگاه کارآفرین در ایران. **فصلنامه آموزش مهندسی ایران**، ۱۹ (۷۶)، ۱-۲۸.
- مهاجرانی، فاطمه؛ حاجی‌پور، بهمن؛ عزیزی، شهریار؛ عالم تبریز، اکبر (۱۳۹۸). طراحی و تبیین الگوی عوامل موثر بر عملکرد در بازاریگرایی در دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور. **فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی**، ۱۱ (۱)، ۱۹۹-۲۲۸.
- نویدادهم، مهدی؛ شفیع‌زاده، حمید (۱۳۹۵). بررسی چالش‌ها و راهبردهای آموزش‌های مهارتی در ایران. **فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی**، ۵ (۲۰)، ۷-۲۱.
- Boahin, p.(2018). Competency-Based Assessment and Reporting in Ghanaian Polytechnics: A Critique of the Prevailing Perceptions. *Journal of Education and Practic*, 5, 131-140.
- Bridges, d (2008). Evidence-based Reform in Education: a response to Robert Slavin. *European Educational Research Journal*, 1, 129-133.
- Clark, B.(1998). Creating entrepreneurial universities, organizational pathways of transformation. *Higher Education*, 38, 373-374
- Hodgetts, r. and Kuratko, d, (2005), *Effective Small Business management*, Philadelphia, Harcourt College Publishers.30.
- King, k (2011). Eight Proposals for a Strengthened Focus on Technical and Vocational Education and Training (TVET). in the *Education for All (EFA) Agenda*. 1-9.
- Salehi e, I. (2014). *Pathology of Skills Management in Iran, Quarterly Skills*, Second Year, 8.